

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۲ اپریل ۲۰۱۹

## لغو جلسه قطر، بازتاب کدام تضادهائست؟؟

۳

یکشنبه- ۰۱ ثور ۱۳۹۸ - کابل:

### ۲- عوامل خارجی:

ب- مناسبات قطر و امارات و تأثیر آن بر الغای جلسه: از تاریخ ۴ دهه اخیر می دانیم:

- \* امارات متحده عربی یکی از نخستین و تنها سه کشوری بود که امارت طالبان را به رسمیت شناخت.
- \* امارات متحده عربی در تمام دوران حاکمیت طالبان در افغانستان نزدیکترین روابط سیاسی و اقتصادی با طالبان را داشته همیشه به آنها کمک نظامی و لوژستیک می نمود.
- \* امارات متحده عربی با وجود کشته شدن یک تن از سفیرانش که مربوط خاندان سلطنتی بود به وسیله طالب در قندهار، باز هم در صدد بود تا مناسباتش را با طالب عادی ساخته، امکان تدویر یک جلسه مشترک بین طالب و دولت دست نشانده را فراهم سازد، که طالب به دستور قطر و پاکستان از شرکت در آن خودداری ورزید.
- \* فعلاً امارات متحده عربی بهترین رابطه را با شخص "غنی احمدزی" برقرار نموده، هرگاه مخالفت های چندی من جمله "محمد محقق" در بین نمی بود و دولت را به جنگ داخلی تهدید نمی کردند، امارات موفق شده بود تعدادی از سربازان افغانستان را در زیر رکاب امارات و عربستان سعودی جهت کشتار خلق یمن به کار گیرد.
- \* در جانب مقابل، قطر با استفاده از شبکه خبری الجزیره و با تکیه بر ترکیه و ایران و با برخورداری از پشتیبانی نماد های شناخته شده "اخوان المسلمین" چون "قرضاوی" نه تنها دامن خاندان سلطنتی عربستان سعودی و امارات را بر پشت آنها گره زده است، بلکه با در دست گرفتن سکان هدایت و رهبری حرکت جهانی "اخوان المسلمین"، عملاً اسلام سیاسی نوع سلفیگری و وهابیت را نیز به مبارزه طلبیده است. از همین رو همین اکنون با تحریم های جدی پنج کشور عربی به شمول امارات متحده عربی مواجه است.
- \* با چنین اوضاعی، مسلم است که امارات متحده عربی به هیچ صورت نمی خواهد، حریف منطقه ئی و همسایه دیوار به دیوارش با تدویر یک جلسه بزرگی برای آوردن صلح در افغانستان در بین مردم عرب و مسلمانان جهان نام و نشانی کمائی نماید.

با در نظر داشت نکات فوق می توان به جرأت نوشت که لغو جلسه قطر به وسیله "غنی احمدزی" اگر به دستور امارات صورت نگرفته باشد، مطمئناً به خاطر جلب رضایت آن کشور بوده است.

ب- عامل دیگری که دولت قطر را واداشت تا بر میزبانی اش از آنهمه مهمان تجدید نظر نماید، حذف "حامدکرزی" از هیأت و ریاست "سیاف" به هیأت انتخاب شده از جانب "غنی احمدزی" بود.

در این انتخاب نوشته می توانیم که "غنی احمدزی" و مشاورانش یکی از آن چالهایی را به کار بردند که در میدان شطرنج به آن "کشت و مات" می گویند، زیرا:

این را می دانیم که موقف "سیاف" در بین اخوان بین المللی و اسلام شناسان جهان اگر نگوئیم یگانه و بی رقیب است به جرأت می توان نوشت، بسیار بالاتر از آن است که جمعی مانند طالب بتواند با آن هم ترازوی و رقابت نماید و به مثابه پیشنماز امامت آنها را به عهده گیرد زیرا:

\*- سیاف یکی از با سابقه ترین اعضای "اخوان المسلمین" است. سابقه ای که ۶ دهه عقب کشیده می شود.

\*- سیاف یک تن از محدثین بنام جهان اسلام است که با حفظ ۳۰۰ هزار حدیث، لقب "شیخ الحدیث" را با خود یدک می کشد.

\*- در کارنامه زندگانی اش گذشته از زندان، رهبری بخشی از "جهاد افغانستان" علیه شوروی را ثبت تاریخ نموده، از همین رو جایگاه خاصی در بین جمیع اعضای "اخوان المسلمین" در سطح جهان دارد.

\*- ورود چنان شخصی به نمایندگی از دولت دست نشاندۀ افغانستان در یک جلسه که فرد مقابلش یک خلقی مسلمان نما مانند "ستانگری" باشد و یا هم یک ملای کم سواد، مسلم است که در بحث های اعتقادی، برای "ستانگری" ها جز افتضاح چیزی دیگری به بار نخواهد آورد. این افتضاح به "ستانگری" ها نیز محدود نمانده با ورود "اخوان المسلمین" در میدان، قطر را نیز شامل می شد.

در نتیجه نوشته می توانیم که انتخاب "سیاف" به وسیله "غنی احمدزی" گذشته از حمایت های سیاسی، از لحاظ اعتقادی طالب را بین "اخوان المسلمین" چنان آسیب می رساند که ترمیم آن بسادگی مقدور نمی بود.

وقتی تمام نکاتی که در هر سه بخش این مختصر نگاشته شده اند، در نظر گرفته شود می توانیم بنویسیم:

جنگ در افغانستان چنان ابعادی به خود گرفته است و آنقدر تضاد های گوناگون در آن جای دارند که ختم آن و رسیدن به صلح با طرقی که استعمار و ارتجاع پیش گرفته اند، نه تنها هیچ گاهی به صلح منجر نمی شود، بلکه ماحصل هر جلسه به خاطر صحبت بالای صلح، تضاد دیگری را نیز بر مجموع اضداد قبلی می افزاید.

هموطنان گرامی!

در افغانستان حکم "جنگ را با جنگ می توان از بین برد" و "صلح را با جنگ می توان به دست آورد" یگانه حکمیست که تاریخ بر صحت آن صحه خواهد گذاشت مشروط بر آن که جنگ را ارتش توده ئی و در بطن یک جنگ توده ئی طولانی دارای خصلت انقلابی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی به پیش ببرد.

**سرکها ما را می طلبد!!**